

2789

du

14v

74



جامانداگان

غلامرضا رفیعی

سرشناسه	: رفیعی غلامرضا ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: جاماندگان / غلامرضا رفیعی.
مشخصات نشر	: قم : قلم جوان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۷ ص
شابک:	: ۹-۳۳-۵۶۲۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع:	: داستان های فارسی - قرن ۱۴
موضوع:	: Persian Fiction -- 20 th century :
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ج ۲ ۸۷۶۳ ف / ۸۳۴۵ pIR
رده بندی دیویی:	: ۸۶۲ / ۳ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۷۵۹۲۱:

عنوان کتاب.....	جاماندگان
تألیف.....	غلامرضا رفیعی
ناشر.....	انتشارات قلم جوان
تاریخ و نوبت چاپ.....	اول ۱۳۹۸
شمارگان.....	۵۰۰ نسخه
صفحات و قطع.....	۱۳۷ صفحه رقعی
شابک.....	۹-۳۳-۵۶۲۶-۶۰۰-۹۷۸
طرح جلد.....	مجله - سروساز رفیعی
قیمت.....	۲۵۰۰۰ تومان

مسئولیت درستی مطالب بر عهده نویسنده است.

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

مرکز پخش:

آدرس: قم / خیابان معلم / مجتمع ناشران / طبقه دوم / واحد ۲۰۳

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۲۴۳۵ / تلفن همراه مرکز پخش ۰۹۰۴۴۹۸۱۸۸۶ / تلفن ثابت مرکز پخش ۰۲۵۳۱۶۲۶

فهرست

- ۵.....سخن ناشر
- ۷.....جامانده‌گان از قافله مدنیّت
- ۱۰.....پرتیکان
- ۱۱.....مرشد پرتیکانی
- ۱۶.....مرشد پرتیکانی و دهکده ای که در آن کدخدایش نالایق بود
- ۲۸.....مرشد و سرزمینی که در آن سردمدارانش همه پیر بودند و فرتوت
- ۳۵.....مرشد و دهکده ای که در آن مردانش همه کشیش بودند و زنانشان راهبه
- ۴۵.....سرزمینی که در آن مردمانش همه بر آئین مسیح بودند اما به سبک خودشان
- ۵۵.....مرشد پرتیکانی و سرزمینی که در آن مردمانش همه از کلیمیان بودند
- ۶۱.....مرشد از نقش ریش سپیدان در قضاوت می‌گوید و ریش سفیدی هایشان
- ۷۰.....مرشد پرتیکانی و سرزمینی که در آن مردمانش نبودند از بکتاریان
- ۷۵.....مرشد و دهکده ای که در آن سبک مغزی را به کدخدایی برگزیدند
- ۱۳۴.....سفر مرشد پرتیکانی به سرزمین شام

سخن ناشر

آنچه که این مؤسسه انتشاراتی را ترغیب به نشر این اثر نمود ابتدا شیوه نویسنده بود و سبک نگارشش. در این اثر نگارنده شیوه ایی را بکار می برد که در آن غالب جملات دارای وزن می شوند و صاحب آهنگ در عین حال که نویسنده در نوشتارش از تکلف و تصنع و بکار بردن لغات صعب و سنگین اجتناب ورزیده اما این اجتناب نه تنها از زیبایی و جذابیت کار نگاشته، بلکه هم بر زیبایی آن افزوده و هم کار را بر خواننده سهل و آسان می نماید.

دوّمین عامل دیدگاهی است که از طریق آن نویسنده سوزن قلم را بر دردهای جامعه انسانی می گذارد و خانه قلمش را چون نوشدارویی بر این جراحات ها می نهد، راه حلّ ها را همچون رهمی شفا بخش بر زخم ها می گذارد و امید آن دارد تا دردی را ایام بشد و جمعی را نجات داده و هدایت یافته ببیند.

آنچه نویسنده به انجام آن همّت می گمارد دقیقاً رسالتی است که بر دوش ناشران سنگینی می کند و ما در صدد برآمدیم تا با این اقدام کمی از این سنگینی بکاهیم تا همچنان در مسیر هدایت بمانیم. در این اثر نگارنده، تمام تلاشش را بکار می گیرد تا جوهر قلمش

را چون آب آگاهی در رگهای افکار جامانده از پیشرفت و ترقی تزریق نماید و بر این بیماران در بستر خفته توان برخاستن ببخشد و در دیدگانشان نوری دوباره بیافریند تا آگاهانه به اطرافشان بنگرند و آزادانه بیاندهشند.

نویسنده در این اثر، خواننده را با خود همراه می سازد و او را به سرزمین های ناشناخته ایی می برد. در هر یک از این سرزمین ها به جستجو همت می گمارد و معضلی را می یابد تا به آن پردازد و در صدر ربع آن بر آید. او تمام تلاشش را بکار می گیرد تا بر آن معضل غالب آید و باب راه حل آن را بگشاید. قبلا کتاب «عایدی های من از شیخ بودن پدرم» به قلم این نویسنده توسط این مؤسسه انتشار یافته است. نویسنده در این کتاب نیز به کککاش بر می خیزد و ضعف گرایش نسل جوان را به دین در چگونگی ایفاء نقش مروّجین مذهبی می بیند و انگشت اتهام را به سمت برداشت های نادرست اینان از دین می گیرد. او در اینجا نیز سوزن قلم را چون تیغ فصاد بر عضو بیمار جامعه می گذارد، به درمانش می پردازد و امید اصلاح آن را دارد. نگارنده علت این بیماری را در نیاندیشیدن می بیند و تدبیر نداشتن. در تأمل نکردن می داند و بذر تفکر نکاشتن.